

بازتاب سیمای ائمه‌ی اطهار (ع) در آثار فارسی غزالی

دکتر بتول مهدوی، استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی و عضو هیأت علمی دانشگاه مازندران

b.mahdavi@umz.ac.ir

دکتر سیدمهدی رحیمی، دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی و عضو هیأت علمی دانشگاه بیرجند

Smahdirahimi@gmail.com

حسین کهنسال فخرداودی، کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

hkohansall@yahoo.com

چکیده

آثار بزرگان ادب پارسی اعم از شیعه و سنی به ذکر اقوال و حکایات ائمه‌ی اطهار (ع) مزین است. ابوحامد محمد غزالی عالم و عارف نامی اهل سنت از جمله‌ی این بزرگان است که در آثار پس از تحوّل خود به جهت بهره‌مندی از فکری روشن و به دور از تعصبات خام برخاسته از سیاست‌های منفعت‌جویانه به ذکر روایات و حکایاتی از امامان معصوم (ع) پرداخته است، که دقت و بررسی آن‌ها می‌تواند در شناخت خطّ فکری بزرگان اهل سنت آن روز نیز مؤثر باشد. نوشتار حاضر با تکیه بر مستندات و شواهد به این نتیجه دست یافته است که صرف نظر از شواهدی بسیار نادر، محبت غزالی نسبت به اهل بیت پیامبر (ص) در دیگر استشهادات او آن‌چنان نمایان است که او را چون امام شافعی به مذهب رافضی متهم کرده‌اند و از این حیث اگر خواننده‌ی آثار دوره‌ی دوم زندگی غزالی با مذهب وی آشنا نباشد، می‌پندارد که با آثار یک عالم شیعی مواجه است.

واژگان کلیدی ائمه‌ی اطهار (ع)، ابوحامد محمد غزالی، عرفان، آثار فارسی.

۱. مقدمه

ابوحامد محمد غزالی طوسی (۴۵۰-۵۰۵ ه.ق.) شخصیتی برجسته از علمای شافعی در عصری می‌زیست که به لحاظ مجادلات دینی و مذهبی شناخته بود؛ چرا که از یک سو اختلافات میان فقهای شیعه و سنی و متکلمان و از سوی دیگر کشمکش فرق چهارگانه‌ی اهل سنت با هم در این عصر شدت و قوت یافته بود، غالباً میان علما و فقهای مذاهب، مجادلات سختی رخ می‌داد (همایی، ۱۳۶۸: ۲۰). غزالی نیز چون بسیاری از عرفا دو دوره‌ی زندگی کاملاً متمایز را تجربه کرده است؛ او پیش از انقلاب فکری و روحی بزرگ‌ترین عالم جدلی بود که با تقرّب به امرا و خلفای وقت، برای کسب جاه و مال و شهرت در جهت اهداف سیاسی خلفای عباسی و امرای سلجوقی قلم می‌زد و سخن می‌گفت، اما در چهل سالگی عقاید و افکارش دستخوش اضطراب و تشویش گردید؛ از این‌رو عزم سفری طولانی کرد، یازده سال سلوک و انزوا احوال او را دگرگون نمود. از مناظره و مصاحبت با سلاطین دست کشید و وارستگی، خلوت و تألیف و تصنیف را پیشه‌ی خود ساخت. در این مرحله از زندگی غزالی است که گرایش‌های شیعی وی نمود بیشتری دارد.

تشیع غزالی و نقل احادیث امامیه توسط او در مرحله‌ی دوم از زندگی‌اش مورد بحث دشمنان و هواخواهان او قرار گرفته است. شیعه نیز گاه وی را در پایان عمر منسوب به خود نمود. تحقیق حاضر بدون آن که درصدد اثبات تشیع یا تسنن مذهب غزالی باشد، در پی آن است تا میزان تمایلات شیعی غزالی را ناظر به آثار فارسی او مورد بررسی قرار دهد و سیمای اخلاقی و عرفانی ائمه‌ی اطهار (ع) را در آثار فارسی دانشمند و متکلمی شافعی مذهب، آن هم پس از تحوّل روحی بازنماید.

درباره‌ی تبیین سیمای ائمه‌ی اطهار (ع) در آثار بزرگان اهل سنت ادب پارسی، پژوهش‌هایی اجمالی انجام پذیرفته، اما تاکنون در باب آثار غزالی پژوهشی دقیق صورت نگرفته است. جز آنکه مرحوم همایی در *غزالی‌نامه* و دکتر زرین‌کوب در *فرار از مدرسه* به تمایلات شیعی غزالی اشاره کرده‌اند (زرین‌کوب، ۱۳۷۳: ۱۹۴ و ۱۹۳)، اما در آثار آن دو بزرگوار جای ذکر مصادیق و شواهد و بررسی و تحلیل همه جانبه‌ای که میزان حضور اخلاقی و یا عرفانی امامان معصوم (ع) را در آثار فارسی غزالی به اثبات برساند، خالی است.

نثر غزالی

قرن پنجم هجری نثر فارسی رو به کمال و ترقی بوده است. «تاریخ تطوّر نثر فنی و تأثیر مختصات نثر عربی در نثر فارسی از نیمه‌ی دوم قرن پنجم هجری آغاز می‌گردد و از این هنگام است که مقدمات تبدیل سبک نثر از مرسل به فنی فراهم می‌شود» (خطیبی، ۱۳۸۶: ۱۳۰). با این همه نثر پارسی در این دوره هنوز شیوه‌ی نثر مرسل را دنبال می‌کند و در آن لفظ با معنی برابر است و معانی از هم دور نمی‌افتد.

غزالی نیز از جمله نویسندگانی بود که همچون عنصرالمعالی و عطار، ساده و مفید می‌نوشت و از تصنع و دشواری کلام دوری می‌کرد، با این هدف که عامه‌ی مردم بتوانند از نوشته‌هایش بهره‌مند شوند. وی با اینکه آثار بسیاری به زبان عربی نگاشت و به آن زبان کاملاً مسلط بود، نثر فارسی شیوا، ساده و گیرایی داشت و تا حدّ ممکن از کلمات و عبارات غامض عربی دوری می‌نمود و مغلوب تصنع، اغلاق و پیچیدگی کلام نمی‌شد. مؤلف کتاب *تاریخ ادبیات در ایران*، بر این موضوع تأکید نموده که روانی کلام غزالی «بی‌نهایت است و افکار او را حتی در مواردی که دست به استدلال‌های عقلانی می‌زند، در نهایت آسانی بیان می‌کند، با این‌حال رعایت ایجاز از اختصاصات این نویسنده است» (صفا، ۱۳۶۳، ج ۲: ۹۲۳-۹۲۲).

غزالی افزون بر اشتغال در حوزه‌های گسترده و گوناگون دینی و عرفانی، بزرگ‌ترین پاسبان زبان و ادبیات فارسی نیز به شمار می‌آید، وی و برادرش احمد را از جمله کسانی برشمرده‌اند که در نثر فارسی انقلابی ایجاد کرده‌اند (بهار، ۱۳۸۶: ۲: ۱۶۳). گفتنی است که این دو برادر به جهت برخورداری از معلومات سرشار و توانمندی فکری، توانسته‌اند کلمات و ترکیبات تازه و بدیعی بیافرینند. همچنین *کیمیای سعادت*، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین اثر فارسی غزالی، سرشار از لغات و ترکیبات فصیح و بلیغی است که به نثر غزالی توانایی خاصی بخشیده است (یوسفی، ۱۳۸۹: ۴۱۹).

آنچه مسلم است، نثر غزالی «بر میانه‌ای از ایجاز و اطناب مبتنی است» (غلامرضایی، ۱۳۸۸: ۱۶۹). قدرت تعبیر، جمله‌های کوتاه، سادگی و انشای جاندار و پرتأثیر غزالی نشان می‌دهد که وی علاوه بر تبحر در معارف اسلامی، در زبان فارسی نیز نویسنده‌ای چیره‌دست است (یوسفی، ۱۳۸۹: ۴۱۸).

کثرت استعمال تشبیه و تمثیل نیز در آثار غزالی قابل توجه است، دنیای آثار غزالی به مدد تشبیهات و استعاراتش جهانی با روح را تداعی می‌کند که همه چیز در آن زنده است. تمثیل‌های وی نیز کلامش را از شک و تردید به دور می‌سازد. همچنین به کارگیری تشبیهات و تمثیلات در آثار غزالی نمایانگر قریحه‌ی شاعرانه‌ی وی است.

تألیفات غزالی

غزالی در نامه‌ای که در سنّ پنجاه و سه سالگی یعنی در سال (۵۰۳ ه.ق.) نگاشته است، به هفتاد اثر خود در حوزه‌ی های علوم دینی تصریح نموده است (غزالی، ۱۳۶۲: ۱۲). دکتر عبدالرحمن بدوی در *مؤلفات الغزالی* که در حقیقت آخرین پژوهش مفصل و علمی در زمینه‌ی تألیفات غزالی به شمار می‌آید، به ۴۵۷ کتاب اصلی و منسوب غزالی اشاره کرده که ۷۲ کتاب را بی‌شک از غزالی دانسته و در صحت بقیه تردید نموده است. با توجه به تحقیقات و پژوهش‌هایی که محققان و پژوهشگران در باب آثار فارسی غزالی انجام داده‌اند، *کیمیای سعادت*، *فرزندنامه*،

نصیحه‌المملوک (بخش دوم)، زاد آخرت و همچنین مکاتیب فارسی به طور مسلم و مسجّل از غزالی می‌باشند که جز برخی نامه‌های وی، دیگر آثار مذکورش مربوط به دوره‌ی پس از تحوّل روحی وی به شمار می‌آیند.

سیمای ائمه (ع) در آثار فارسی غزالی

غزالی در مواضع مختلف آثار فارسی خود از امامان معصوم (ع) به عناوین مختلف یاد کرده است. گاهی سخنان و زمانی نیز اعمال و رفتار آن‌ها را ذکر نموده است. وی همچنین در تأیید گفتار خود به اقوال و کردار آن‌ها در قالب حکایت استناد جسته و یا درباره‌ی آن‌ها به قضاوت نشسته و نظرات خود را نسبت به آن‌ها ایراد نموده است. خواننده نیز ضمن این یادکردها می‌تواند نگرش غزالی را نسبت به ائمه‌ی اطهار (ع) ارزیابی کند و به جایگاه و مرتبه‌ی آن بزرگواران از منظر غزالی پی‌ببرد. در آثار فارسی غزالی از میان دوازده امام شیعه (ع) تنها شش امام ذیل ذکر شده است: امام علی (ع)، امام حسن (ع)، امام حسین (ع)، امام سجّاد (ع)، امام صادق (ع) و امام رضا (ع).

۱. سیمای امام علی (ع) در آثار فارسی غزالی

۱-۱. امام علی (ع) و پیامبر (ص)

غزالی در موارد بسیاری امام علی (ع) و رسول خدا (ص) را در کنار هم ذکر نموده است. آنچه از این یادکردها استنباط می‌شود این است که در نظر وی، حضرت علی (ع) رابطه‌ی بسیار عمیق و عاطفی با رسول خدا (ص) داشته است.

۱-۱-۱. امام علی (ع) راوی کلام پیامبر (ص)

در آثار غزالی، امام علی (ع) گاه از پیامبر (ص) نقل قول می‌کند و روایتی را از زبان ایشان بیان می‌دارد. از جمله در کیمیای سعادت، حضرت علی (ع) از پیامبر (ص) روایتی نقل می‌کند که در آن عواقب روی‌آوری خلق به دنیا و دشمن داشتن درویشان بیان شده است (غزالی، ۱۳۸۶ ب. ج ۲: ۴۲۴ - ۴۲۳).

۱-۱-۲. امام علی (ع) مخاطب پیامبر (ص)

در مواردی نیز پیامبر (ص) آن حضرت را مورد خطاب قرار داده و اقوالی را بدیشان بیان داشته یا دستوری داده‌اند. در بخش علاج دوستی جاه و حشمت کیمیای سعادت، رسول خدا (ص) در حالی که حضرت علی (ع) را مخاطب قرار می‌دهد، دو علت هلاک مردم را بیان نموده‌اند (همان، ۱۳۸۹). غزالی ضمن نامه‌ای که به شخصی به نام «مجیر-الدین» نگاشته، در کلامی تحذیری و انداز آمیز به عنوان گواه سخن خود به حدیث «إِذَا تَقَرَّبَ النَّاسُ إِلَى اللَّهِ بِأَعْمَالٍ أَلْبِرٍ فَتَقَرَّبَ أَنْتَ إِلَى اللَّهِ بِعَقْلِكَ» (غزالی، ۱۳۶۲: ۵۰) که حضرت علی (ع) در آن مخاطب پیامبر (ص) بوده، استناد جسته است.

۱-۱-۳. عنایات ویژه‌ی پیامبر (ص) به امام علی (ع)

غزالی در مواردی به عنایات ویژه‌ی پیامبر (ص) نسبت به حضرت علی (ع) اشاره می‌نماید: مثلاً در بخش آداب سماع و وجد، به سخن پیغمبر (ص) خطاب به آن حضرت اشاره می‌کند: «تو از منی و من از تو» (غزالی، ۱۳۸۶ ب، ج ۱: ۴۹۶) یا از رسول خدا (ص) یاد شده که پس از آنکه به حضرت فاطمه (س) بشارت می‌دهند که سیده‌ی زنان اهل بهشت هستند، علی (ع) را نیز سید کونین می‌خوانند (همان، ج ۲: ۱۸۶).

همچنین به چشم‌درد امام علی (ع) در جنگ خیبر می‌پردازد که پیامبر گرامی (ص) آب دهان مبارک خود برچشم آن حضرت مالیدند و ایشان نیز شفا یافتند و یا اینکه در همان روز رسول خدا (ص) پرچم اسلام را به دست ایشان

می‌سپارند (همان. ۷۹۹)^۱ و نیز رسول خدا (ص) عمامه‌ای داشتند که به آن «سحاب» می‌گفتند، آن را به علی (ع) بخشیدند و چون حضرت علی (ع) آن را در سر بسته بودند و می‌آمدند، پیامبر (ص) می‌فرمودند: «آتاکم علی فی السَّحَاب» (همان. ۷۸۵).

۴-۱-۱. سؤالات امام علی (ع) از پیامبر (ص)

یکی دیگر از مواردی که غزالی نام حضرت علی (ع) را در کنار نام رسول خدا (ص) ذکر نموده، مربوط به مواقعی است که ضمن حکایت یا جداگانه و مستقیماً آن حضرت از پیامبر (ص) سؤالی می‌پرسند و از علت و حکمت کار آن حضرت و یا تفسیر سخن پیامبر (ص) جویا می‌شوند که دو حکایت ذیل از آن جمله است: «رسول (ص) قومی را اندر غزا اسیر گرفت؛ همه را بکشت، مگر یک تن را. علی (رض) گفت: «همه را دین یکی است و گناه یکی و خدای یکی، چرا این یک تن را نکشتی؟» گفت: «جبرئیل بیامد و مرا خبر داد که وی را مکش که وی سخی است» (غزالی، ۱۳۸۶ ب. ج ۲: ۱۶۶).

۲-۱. امام علی (ع) و خلفا

غزالی در مواضع مختلف حضرت علی (ع) را بنابر اعتقاد اهل سنت پس از سه خلیفه‌ی اول و به عنوان خلیفه‌ی چهارم ذکر نموده و هر جا این چهار تن را در کنار هم آورده، ابتدا به ابوبکر و در ادامه به عمر، عثمان و در آخر هم به حضرت علی (ع) اشاره نموده است. چنان‌که در *کیمیای سعادت*، آنجا که غزالی به تجمل‌گرایی علمای اسلام انتقاد می‌کند؛ ابتدا به ساده‌زیستی پیامبر (ص)، سپس به ساده‌زیستی ابوبکر، عمر، عثمان و در پایان به امام علی (ع) اشاره می‌نماید (همان. ۲۹۹)، یا در حکایتی دیگر در *نصیحه‌الملوک* که ضمن آن هارون الرشید از شقیق بلخی، زاهد معروف درخواست پند می‌نماید، این چهار تن به عنوان خلفای چهارگانه، به ترتیب خلافت ذکر می‌شوند (غزالی، ۱۳۶۷: ۲۸). اما در مواضعی که بحث ترتیب خلفای چهارگانه مطرح نیست، غزالی نیز این ترتیب را رعایت نمی‌کند (غزالی، ۱۳۸۶ ب. ج ۲: ۵۸۰). اگرچه غزالی حضرت علی (ع) را بنابر اعتقاد اهل سنت خلیفه‌ی چهارم می‌داند، اما در مواضعی به برتری آن حضرت اذعان دارد. از جمله می‌توان به حکایتی در *کیمیای سعادت* اشاره کرد. که ضمن آن به برتری حضرت علی (ع) بر عمر در باب حکم الهی و قضاوت تصریح شده است (همان، ج ۱: ۵۰۷).

۳-۱. امام علی (ع) و معاویه

معاویه در مدت بیست سال حکمرانی خود تبلیغات گسترده‌ای به نفع خویش و امویان و علیه بنی‌هاشم و به ویژه حضرت علی (ع) انجام داد. حضرت علی (ع) در زمان حکومت خود بر آن بود تا در راستای عزل حاکمان و کارگزاران فاسد، دست معاویه را نیز از شام کوتاه کند. در مقابل، معاویه نیز به بهانه‌ی کشته شدن عثمان و وقوع جنگ جمل، جنگ صفین را به راه انداخت. وی مالک اشتر و بعد از او محمدبن ابوبکر را که آن حضرت برای حکومت مصر روانه کرده بود، در راه کشت و عمروعاص را بر مسند مصر نشاند. معاویه در شام دعوی جانشینی رسول خدا (ص) می‌نمود و بر اثر تحریکات وی در شهرهای عراق قتل و غارت بالا گرفت و امنیت از بلاد اسلامی رخت بر بست (مشکور، ۱۳۶۲: ۲۹ - ۲۸). غزالی در بخش *شَرِّه سخن و آفت زبان*، خواب عمر بن عبدالعزیز را نقل می‌کند که به اختلافات حضرت علی (ع) و معاویه اشاره دارد. در این خواب، خدا حق را به حضرت علی (ع) داده و در مقابل، معاویه را هم بخشیده است با این توضیح که جمله‌ی «غُفِرَ لِي وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ» تلویحاً حاکی از گناهکاری معاویه است (غزالی، ۱۳۸۶ ب. ج ۲: ۶۳۳).

۴-۱. فضایل امام علی (ع)

از امام احمدبن حنبل یکی از ائمه‌ی اربعه‌ی اهل سنت و از بزرگان اهل حدیث نقل شده است: «فضایلی که درباره‌ی علی علیه السلام در احادیث وارد شده، برای هیچ‌یک از صحابه نقل نشده است» (باقری، ۱۳۸۴: ۵۷). حضرت علی (ع) به اعتراف دوست و دشمن و به شهادت تاریخ در کمالات انسانی یگانه و در فضایل اسلامی، نمونه‌ی کاملی از تربیت رسول خدا (ص) بود. غزالی نیز بارها در آثار فارسی خود به فضایل آن حضرت اشاره نموده است.

۱-۴-۱. شجاعت

حضرت علی (ع) مثل اعلامی شجاعت بودند. دل‌آوری‌ها و حماسه‌آفرینی‌های آن حضرت و همچنین ثبات قدم و پرهیزشان از گریز در میدان نبرد و فتح و غلبه‌ی همیشگی‌شان بر کسی پوشیده نیست. به عنوان نمونه می‌توان از خواهر عمرو بن عبدود یاد کرد که در مرثیه‌ی برادرش چنین سروده است: «اگر کشنده‌ی عمرو کس دیگری جز این کشنده‌اش بود، همواره و تا هرگاه زنده می‌بودم، بر او می‌گریستم. آری، کشنده‌ی او کسی است که او را مانندی نیست و پدرش مایه‌ی شرف مکه بود» (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۸: ۲۵).

در کیمیای سعادت از سیاست خلیفه‌ی دوم در کنار شجاعت حضرت علی (ع) یاد شده (غزالی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۵۸۰)، همچنین در مکاتیب به شجاعت آن حضرت اشاره شده است (غزالی، ۱۳۶۲: ۷). از وقایع بسیار مهمی که در زمان پیامبر (ص) اتفاق افتاد، حماسه‌ی لیلۃ‌المبیت است که حضرت علی (ع) در این شب با ایشار و فداکاری برای حفظ پیامبر اسلام (ص)، جان خود را به خطر انداخته‌اند. غزالی، این ماجرا را بسیار باشکوه‌تر از آنچه در میان مسلمانان معروف و مشهور است، بیان می‌کند. در روایت غزالی، خداوند، جبرئیل و میکائیل نیز حضور می‌یابند و حتی خداوند نزد جبرئیل و میکائیل به وجود آن حضرت مباحث می‌نماید و آن دو ملک مقرب در برابر ایشار و فداکاری حضرت علی (ع) سر تعظیم و تحسین فرود می‌آورند و مقام خود را بسیار پایین‌تر از ایشان می‌یابند (غزالی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۱۷۴).

۱-۴-۲. توکل و عجز و انکسار در برابر حق

در بخش توحید و توکل، حکایتی از توکل حضرت علی (ع) به هنگام بیماری ذکر شده است. غزالی ابتدا بیان می‌دارد که شرط توکل، پنهان داشتن بیماری است و اینکه اظهار بیماری و گله از آن مکروه است مگر آنکه عذری باشد و در ادامه حکایت ذیل را نقل می‌کند: «چنان‌که علی (رض) را پرسیدند در بیماری که بهتر هستی و بخیر هستی؟ گفت: نه. در یکدیگر نگریستند و تعجب کردند که چرا گفت نه، پس گفت: با خدای - تعالی - دلیری نمایم و مردی!» سرانجام این رفتار حضرت را چنین تفسیر می‌کند که «این به حال او لایق بود، که بدان قوت و بزرگی، عجز خویش می‌نماید و از این بود که گفت: یارب، صبر روزی کن مرا» (همان، ۵۶۷). با توجه به حکایت مذکور، پاسخ حضرت علی (ع) علاوه بر مقام توکل آن حضرت بیانگر عجز و انکسار و افتقار ایشان در پیشگاه الهی است.

۱-۴-۳. علم و عدل

حضرت علی (ع) در علم و دانش، داناترین صحابه و دیگر مسلمانان بودند. بر علو پایگاه آن حضرت، جمله‌ی ذیل از نهج‌البلاغه بسنده است: «فَأَسْأَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي» (علی بن ابیطالب، ۱۳۸۳: ۱۲۲). از حیث عدالت، آن حضرت در دوران خلافت کوتاه خود مظهر عدل بوده‌اند. در نصیحه‌الملوک نیز آنجا که پند و اندرز شقیق بلخی، زاهد معروف، به هارون الرشید نقل می‌شود، از زبان شقیق، صفات برجسته‌ی چهار خلیفه از جمله به علم و عدل امام علی (ع) اشاره می‌گردد (غزالی، ۱۳۶۷: ۲۸).

۱-۴-۴. زهد

حضرت علی (ع) برترین مردم از نظر زهد و ورع پس از رسول خدا (ص) بودند تا جایی که در حق ایشان گفته

شد: «تمام زاهدان روی اخلاص به او دادند و آن حضرت سید زهاد بود و هرگز طعامی سیر نخورد و مأكول و ملبوسش از همه درشت‌تر بود» (قمی، ۱۳۸۶: ۱۹۰). غزالی در *کیمیای سعادت*، حضرت علی (ع) را با عنوان «امیرالمؤمنین» خوانده و از زهد ایشان چنین نوشته است که «امیرالمؤمنین علی (رض) جامه‌ای کهنه داشت مختصر، با وی عتاب کردند. گفت: دل بدین خاشع شود و دیگران اقتدا کنند و درویشان را دل خوش بود» (غزالی، ۱۳۸۶: ج ۲: ۲۷۱). همچنین در بخش فقر و زهد، روایتی مشابه از آن حضرت درباره‌ی زهد نقل شده است (همان، ۲۷۱). غزالی زهد و چند همسری حضرت علی (ع) را در چند موضع از آثارش ذکر کرده است. تمام شواهد حاکی از آن است که غزالی زاهد بودن را مغایر با چند همسری نمی‌داند. از جمله می‌توان به شاهدی در *کیمیای سعادت* اشاره نمود که ضمن آن به پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) به عنوان مصداق‌هایی از بزرگان دین اشاره می‌کند که کثرت نکاح آن‌ها با زهدشان، منافاتی نداشته است (همان، ۴۴۹: ۳).

۱-۴-۵. نماز خاشعانه‌ی آن حضرت

حضرت علی (ع) عابدترین مردم بودند، ایشان به کثرت نماز و روزه‌داری و نماز شب و نوافل و بسیاری ادعیه و اوراد مشهور بودند. در مورد التزام ایشان به نماز شب، ابو‌یعلی در *مسند*، چنین آورده است که حضرت علی (ع) فرمودند: «از آن زمانی که از پیامبر (ص) شنیدم که «نماز شب نور است» هیچ‌گاه نماز شب را ترک نکردم» (أذیب، ۱۳۷۵/۱۴۰۸: ۷۹). در *کیمیای سعادت* نیز درباره‌ی حالت آن حضرت هنگام اقامه‌ی نماز چنین آمده است: «علی (رض) چون اندر نماز خواستی شد، لرزه بر وی افتادی و گونه‌ی روی وی بگردیدی و گفتمی که آمد وقت امانتی که بر هفت آسمان و زمین عرضه کردند و طاقت آن نداشتند» (غزالی، ۱۳۸۶: ج ۱: ۱۶۶).

۱-۴-۶. سخن گفتن به تناسب درک مخاطب

غزالی در *کیمیای سعادت*، ضمن نقل مناظره‌ی حضرت علی (ع) با ملحدی که از درک و فهم زیادی برخوردار نبوده است، ابتدا پاسخ آن حضرت به ملحد را ذکر نموده که: «اگر چنان است که تو می‌گویی، هم تو رستی و هم ما و اگر چنان است که ما می‌گوییم، ما رستیم و تو افتادی و در عذاب ابدی بماندی» (همان، ۱۱۵). سپس به نقد و بررسی کیفیت پاسخ آن حضرت به ملحد پرداخته است: «این سخن که امیرالمؤمنین علی (رض) گفته است، بر مقدار ضعف عقل آن ملحد گفته است نه بدانکه وی در اعتقاد خویش به شک بود، ولکن دانست که آنچه راه یقین است فهم آن ملحد احتمال نکند [تحمل نکند]» (همان).

۱-۴-۷. مهمان‌نوازی و تعیین شرایط برای میزبان

غزالی ضمن حکایتی به مهمان‌نوازی و مهمان‌دوستی بسیار آن حضرت چنین می‌پردازد: «یک روز علی (رض) بگریست. گفتند: «چرا گریستی؟» گفت: "هفت روز است تا هیچ مهمان در خانه‌ی من نرسیده است"» (غزالی، ۱۳۸۶: ج ۲: ۱۷۰). حضرت علی (ع) نیز در مهمانی‌هایی که دعوت می‌شدند به جهت مراعات حال میزبان شرایطی را معین می‌فرمودند تا خانواده‌ی میزبان به سختی نیفتند (همان، ج ۱: ۲۹۲).

۱-۵-۵. سخنان امام علی (ع)

غزالی بارها به سخنان و اقوال حضرت علی (ع) در آثار فارسی خود اشاره نموده و در تأیید گفته‌های خود بدان‌ها استناد جسته است. به پاره‌ای از این اقوال و سخنان در ذیل اشاره می‌گردد.

۱-۵-۱. در شناخت و معرفی افراد و گروه‌ها

غزالی تعریف‌ها و توصیف‌هایی از زبان آن حضرت درباره‌ی برخی از اصناف و گروه‌ها مانند زاهدان، ریاکاران،

عالمان، صالحان و قاریان ذکر کرده و ویژگی‌ها و نشانه‌های آن‌ها را برشمرده است. در شناخت فرد زاهد از قول آن حضرت نقل شده است: «اگر کسی هرچه بر روی زمین مال است به دست آورد برای خدای - تعالی - و بدهد، وی زاهد است، اگرچه توانگرترین خلق است و اگر به ترک همه گوید و نه برای خدای - تعالی - بود، وی زاهد نیست» (غزالی، 1386ب، ج ۲: ۱۸۳). شایان ذکر است که غزالی در این روایت نام حضرت را با یکی از القابش «مرتضی» ذکر نموده است. همچنین آن حضرت برای افراد ریاکار، نشانه‌های سه‌گانه‌ای برشمرده‌اند (همان، ۲۱۱). حضرت علی (ع) در شناخت درویش اهل عقوبت و اهل سعادت نیز می‌فرماید: «درویش باشد که اهل عقوبت باشد و نشان آن بدخویی و شکایت و خشم بر قضای خدای - تعالی - بود و باشد که اهل سعادت بود و نشان آن نیکخویی و گله ناکردن و شکر گفتن بود» (همان، ۴۲۹).

۱-۵-۲. توصیف برادر حقیقی

در رساله‌ی *زاد آخرت* در بخشی که به آداب برادران و دوستان اختصاص دارد به کلام حضرت علی (ع) در باب ویژگی‌های برادر حقیقی استناد شده که تأمل در آن ما را به شناخت وسیع آن حضرت از روحیات افراد راهنمایی می‌کند: «برادر حقیقی آن بود که در همه کارها با تو بود، رنج خویش از برای منفعت تو اختیار کند و اگر تو را کاری افتد، باک ندارد و کار خویش بشوئیده کند تا کار تو راست شود» (غزالی، ۱۳۵۲: ۵۷).

۱-۵-۳. معیار شناخت دوست

همان‌طور که ناسپاسی در برابر خداوند کفران نعمت شمرده می‌شود و از آن نهی شده، ناسپاسی در حق برادران دینی نیز مذمت شده است. غزالی از قول حضرت علی (ع) محک و معیاری در شناخت دوست ناسپاس و همچنین بدترین دوستان ارائه داده‌اند که از حیث علم نفس یا روانشناسی درخور اهمیت است: «هر که برادر خود را بر نیت نیکو شکر نکند، بر کار نیکو هم شکر نکند» (غزالی، 1386ب، ج ۱: ۴۰۶)، در ادامه نقل شده است: «بترین دوستان آن بود که تو را حاجت بود به عذر خواستن از وی و تکلف کردن برای وی» (همان، ۴۱۲).

۱-۵-۴. فضیلت هزینه کردن برای برادر دینی

از اقوال و سخنان حضرت علی (ع) در آثار غزالی درباره‌ی برادری و دوستی بین مسلمانان چنین استنباط می‌شود که ابراز دوستی و مودت با مسلمانان و برادران دینی بسیار مورد تأکید آن حضرت بوده است؛ چنان‌که در *کیمیای سعادت* ذیل عنوان فضیلت طعام خوردن با دوستان و برادران در دین، به این سخن حضرت استناد جسته شده است: «یک صاع طعام پیش برادران نهم دوست‌تر دارم از آنکه بنده‌ای آزاد کنم» (همان، ۲۹۰).^۴

۱-۵-۴. کیفیت نیل به بهشت و گریز از دوزخ

غزالی در بخش علاج دوستی دنیا، از زبان آن حضرت راه دستیابی به بهشت و رهایی از دوزخ را بیان کرده است، شاین ذکر است که علم حضرت به مقولاتی این چنین از دایره‌ی علم دنیوی خارج است و به علم لدنی مربوط می‌شود: «هر کس که شش چیز به جای آورد، هیچ باقی نگذاشت در طلب بهشت و گریختن از دوزخ: هر که خدای - تعالی - بداندست و طاعت وی داشت و شیطان بداندست و مخالفت وی کرد و حق بداندست که کدام است و دست اندر وی زد و باطل بداندست و دست از وی بداشت و دنیا را بداندست و بینداخت و آخرت را بداندست و اندر طلب وی ایستاد» (همان، ج ۲: ۱۴۰ - ۱۳۹).

۱-۵-۵. تلاش در رسیدن به مقصود

در *فرزندنامه (اینها الولد)*، کلامی از امام علی (ع) نقل شده است که طی آن حضرت بر ارزش سعی و تلاش در

رسیدن به مقصود تأکید دارند: «مَنْ ظَنَّ أَنَّهُ بَدُونَ الْجَهْدِ يَصِلُ فَهُوَ مُتَمَنَّ و مَنْ ظَنَّ أَنَّهُ بَدَلَ الْجَهْدِ يَصِلُ فَهُوَ مُتَعَنَّ» (غزالی، ۱۳۶۲: ۸۱).

۱-۵-۶. قناعت به سود اندک

در کیمیای سعادت، حکایتی از آن حضرت نقل شده که ضمن آن کسبه را به قناعت فرا می‌خواندند: «علی (رض) در بازار کوفه می‌گردیدی و می‌گفتی: "ای مردمان سود اندک را رد مکنید که از بسیاری بیفتید"» (غزالی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۳۵۶).

۱-۵-۷. واکنش حضرت نسبت به ثنای دیگران

در بخش شَرِّه سخن و آفت زبان، به ذکر دو حکایت پرداخته شد که حکایت نخست حاکی از اخلاص آن حضرت و عدم خشنودی ایشان از مدح دیگران است: «یا رب، مرا مگیر بدانچه همی‌گویند و بیمارز آنچه از من نمی‌دانند و مرا بهتر از آن کن که ایشان همی‌پندارند» (همان، ج ۲: ۱۰۵)، در ادامه حکایتی دیگر ذکر شده که به اشراف آن حضرت بر ضمیر ثناگو اشاره دارد (همان).

۱-۵-۸. ذکر عدم اخلاص قاریان

سیمای قاریان در طول تاریخ با غبار ریا و تزویر و بدخلقی و دیگر رذایل پوشیده است. بزرگان ادب نیز از ابوسعید، سنایی، سعدی، مولوی و دیگران به‌گونه‌ای در مذمت این صنف سخن گفته‌اند. غزالی نیز از قول حضرت علی (ع) به عدم اخلاص آن‌ها اشاره می‌نماید: در روز قیامت به قاریان قرآن می‌گویند: «نه کالا به شما ارزان‌تر فروختند؟ نه اندر حاجت‌های شما قیام کردند؟ نه ابتدا بر شما سلام گفتند؟» (همان، ۲۲۳). در ادامه غزالی گفتار حضرت را چنین تفسیر می‌کند: «یعنی همه جزای عمل خویش است که ستدید و خالص بنگذاشتید» (همان).^۹

۱-۶-۱. توصیه‌ها و سفارش‌های امام علی (ع)

غزالی در تبیین سخن خویش از توصیه‌های آن حضرت نیز بهره برده است، به‌گونه‌ای که بیشترین یادکرد وی از حضرت علی (ع) به سخنان و سفارشات آن حضرت در موضوع‌های گوناگون اختصاص دارد که ذیلاً بدان‌ها اشاره می‌شود:

۱-۶-۱-۱. اعتدال در ریاضت

از جمله سفارش‌های آن حضرت در سیروسلوک، اعتدال در امر ریاضت است که این توصیه نیز به شناخت ایشان از زوایای وجود انسان برمی‌گردد: «راحت و آسایش از دل‌ها باز مگیرید به یک‌راه، که دل از آن نابینا شود» (غزالی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۳۰۵). مشابه همین مضمون در بخش آداب زاویه گرفتن نیز با اندکی جابه‌جایی کلمات تکرار شده است (همان، ۴۵۱).

۱-۶-۱-۲. اعتدال در غیرت بردن بر زنان

توصیه‌ی حضرت علی (ع) درباره‌ی رعایت اعتدال در غیرت بردن بر زنان و همچنین ذکر دلیل این امر نیز از حیث روانشناسی قابل تأمل است؛ چرا که غیرت بیمارگونه و اعتراض مداوم مرد بر زن سبب بدنامی و خواری همسر او می‌شود و باعث می‌گردد تا امر بر دیگران نیز مشتبه گردد: «غیرت بر زنان از حد مبرید، که آنگاه مردمان بدانند و بدان سبب برایشان زبان دراز کنند» (همان، ۳۱۷).

۱-۶-۳. توصیه‌های درمانی

سفارش‌ها و توصیه‌های فراوانی از ائمه‌ی اطهار (ع) در مسایل پزشکی و سلامت بدن وجود دارد. غزالی نیز در کیمیای سعادت از توصیه‌های پزشکی و بهداشتی آن حضرت یاد کرده است. برای نمونه می‌توان به بخش علاج شهوت شکم، اشاره نمود که غزالی در مضرات و فواید خوردن گوشت به کلام آن حضرت استناد جسته است (غزالی، ۱۳۸۶ ب. ج ۲: ۵۲). یا برای علاج درد شکم به این توصیه‌ی پزشکی آن حضرت راهنمایی می‌کند: «هر که را درد شکم گیرد، از زن خویش چیزی بخواد از کابین وی و بدان انگبین خرد و با آب باران بیامیزد و بخورد، شفا یابد، که - خدای تعالی - باران را مبارک خوانده است و انگبین را شفا و کابین که زنان بیخشدند - هنی و مری - یعنی نوش و گوارنده؛ تا این هر سه به هم آید، ناچار شفا یابد» (همان، ج ۱: ۴۲۶ - ۴۲۵).

۱-۶-۴. پاداش قرائت قرآن

تعیین پاداش قرائت قرآن از هر کسی ساخته نیست و هر کسی چنین جسارتی ندارد تا من‌عندی برای امور معنوی پاداشی مقرر کند مگر کسی که به چشمه‌ی لایزال الهی متصل باشد. غزالی درباره‌ی کیفیت تلاوت قرآن از آن حضرت چنین نقل کرده است: «هرکسی که قرآن در نماز، ایستاده خواند، وی را به هر حرفی صد حسنه بنویسند و اگر بر طهارت بود نه در نماز، بیست و پنج حسنه و اگر بر طهارت نبود، ده حسنه بیش بنویسند و آنچه به - شب خواند - خاصه در نماز - فاضل‌تر، که دل فارغ‌تر بود و ثواب بیشتر» (همان، ۲۴۴). از مجموع شواهدی که در آثار فارسی غزالی درباره‌ی ائمه‌ی اطهار (ع) فراهم آمده، بیشترین مورد به حضرت علی (ع) اختصاص دارد. این امر نشان‌دهنده‌ی شناخت غزالی از عظمت آن حضرت و همچنین ارادت خاص وی نسبت به ایشان می‌باشد.

۲. سیمای امام حسن (ع) در آثار فارسی غزالی

۱-۲. پیامبر (ص) و امام حسن (ع)

دوران کودکی امام حسن (ع) و امام حسین (ع) با اواخر عمر پیامبر (ص) مقارن بوده است. آن دو امام رابطه‌ی بسیار نزدیک و صمیمانه‌ای با رسول خدا (ص) داشته‌اند و علاقه‌ی خاص آن حضرت (ص) به نوادگان خود مشهود همگان بوده است. غزالی در کیمیای سعادت، آنجا که درباره‌ی حقوق فرزندان بحث می‌کند به سنت بودن کودک‌نوازی و بوسه‌دادن کودک می‌پردازد (غزالی، ۱۳۸۶ ب. ج ۱: ۴۳۱) و در ادامه به عنوان نمونه و مصداق شفقت و مهربانی نسبت به کودکان و فرزندان، از پیامبر (ع) ماجرای زمین خوردن امام حسن (ع) را یاد می‌کند: «رسول (ص) بر منبر بود، حسن به روی در افتاد، در حال از منبر فرو دوید، وی را برگرفت و این آیت برخواند: *إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ*» (همان، ۴۳۱). در روایتی دیگر که از امام حسن (ع) در کنار پیغمبر (ص) یاد شده، به کودکی آن حضرت و نهی پیامبر (ص) از خوردن خرمایی که از مال صدقه بود، به عنوان مصداق و نمونه‌ای از ورع پرهیزگاران اشاره شده است (همان، ۳۷۱).

۲-۲. امام حسن (ع) و معاویه

معاویه دشمن سرسخت حضرت علی (ع) و خاندان او خود را «امیرالمؤمنین» خواند و ابتدا به خونخواهی خلیفه‌ی سوم و بعد برای تصرف خلافت به عراق، مقرر حکومت امام حسن (ع)، لشکر کشید. از مجموع شواهدی که در آثار فارسی غزالی به رؤیت رسیده است، می‌توان به بی‌اعتباری منابع مؤلف در مورد امام حسن (ع) پی‌برد؛ چرا که مخاصمت و دشمنی شدید معاویه و خاندان بنی‌امیه با فرزندان حضرت علی (ع) آن‌چنان محرض و آشکار است که

قبول حکایتی نظیر آنچه غزالی ذکر نموده، عجیب و بعید می‌نماید. در این حکایت، امام حسین (ع) از امام حسن (ع) می‌خواهد، کسی را سلام نکند. در همان زمان، معاویه در حال عبور از مدینه بوده که امام حسن (ع) بدون توجه به پند برادر از پی کاروان وی به راه می‌افتد و تقاضای وام خود را مطرح می‌کند. معاویه نیز شتری را که هشتاد هزار دینار بر آن بوده، تسلیم امام حسن (ع) کرده تا حضرت بتواند وام خود را پرداخت نمایند (غزالی، ۱۳۸۶ ب، ج ۲: ۱۶۷). با کمی تأمل می‌توان دریافت که حکایت مذکور با سیره‌ی تربیتی و دینی ائمه‌ی اطهار (ع) کاملاً ناسازگار و متباین است.

۲-۳. فضایل امام حسن (ع)

امام حسن (ع) در کمالات انسانی یادگار حضرت علی (ع) و نسخه‌ی دیگر از پیامبر اکرم (ص) بودند. غزالی به فضایل آن حضرت چون سخا، تواضع و... اشاره نموده، که تأکید بیشتر او بر فضیلت سخاوت آن حضرت بوده است.

۲-۳-۱. سخاوت

در کیمیای سعادت در حکایتی نسبتاً بلند به سخاوت و بخشش بسیار امام حسن (ع)، امام حسین (ع) و عبدالله بن-جعفر نسبت به پیرزنی عرب اشاره شده است (همان. ۱۶۸ - ۱۶۷).

۲-۳-۲. تواضع و فروتنی در برابر درویشان

غزالی در بخش آداب طعام خوردن، حکایتی از امام حسن (ع) نقل می‌کند که بیانگر تواضع و فروتنی آن حضرت است، حضرت دعوت عده‌ای از درویشان را اجابت می‌کند و در مقابل آنان را به خانه‌ی خود دعوت می‌نماید (غزالی، ۱۳۸۶ ب، ج ۱: ۲۹۶).

۲-۳-۳. عدم رضایت به ذلّ سائل

در کیمیای سعادت به چگونگی برخورد امام حسن (ع) با نیازمند اشاره شده است: «یکی قصه نوشت به حسن بن علی (رض)، فراستد و گفت: «حاجت تو رواست»، گفتند: «چرا نرفته برخواندی؟» گفت: «آنگاه خدای - تعالی - مرا از ذلّ ایستادن وی پیش من باز پرسیدی» (همان. ج ۲: ۱۶۷).

در آثار دیگر فارسی غزالی غیر از کیمیای سعادت نامی از امام حسن (ع) ذکر نشده است. وی اگر چه سخاوت بسیار آن حضرت را می‌ستاید و همچنین از حضرت سخنانی نقل می‌کند، اما در عین حال به وام‌خواهی و صله-گرفتن آن حضرت از معاویه نیز اشاره نموده (همان. ۱۶۷)، که این امر با وجود دشمنی معاویه و خلفای پس از وی با اهل بیت پیامبر (ص) قابل توجیه است. در حقیقت منشأ این قبیل اخبار و حکایات جعلی و مهمل‌بافی‌ها و سم-پاشی‌های بسیار علیه خاندان رسول الله (ص)، دستگاه تبلیغات خلافت یا سلطنت خلفای پس از حضرت علی (ع) است.

۳. سیمای امام حسین (ع) در آثار فارسی غزالی

۳-۱. امام حسین (ع) و پیامبر (ص)

روایات بسیاری در مورد عنایت و توجه خاص پیامبر گرامی اسلام (ص) به امام حسن (ع) و امام حسین (ع) نقل گردیده که روایت ذیل، ما را از دیگر روایات بی‌نیاز می‌سازد: «رسول خدا صَلَّى اللهُ وَ عَلَيْهِ وَ آله، حسنین را بر پشت مبارک سوار کرد، حسن را بر اضلاع راست و حسین را بر اضلاع چپ و لختی برفت و فرمود بهترین شترها شتر

شما است و بهترین سوارها شماید و پدر شما فاضل‌تر از شماست» (قمی، ۱۳۸۶: ۳۶۸). غزالی به روایت معروف نماز پیامبر (ص) اشاره می‌کند که امام حسین (ع) حین سجده‌ی آن حضرت بر گردن ایشان قرار گرفتند. حضرت رسول (ص) نیز برای خاطر ایشان سجده‌ی خود را طولانی نمودند (غزالی، ۱۳۸۶: ج ۱: ۴۳۱).

۲-۳. قیام امام حسین (ع)

در واقعه‌ی کربلا امویان کشتار شیعی را مرتکب شدند و اسیران را بسیار شکنجه و آزار دادند؛ «به قول الفخری، محققاً فاجعه‌ای ننگین‌تر از شهادت امام حسین (ع) در اسلام روی نداده است» (مشکور، ۱۳۶۲: ۳۶). غزالی از ابن‌عباس روایتی نقل می‌کند که در ضمن آن ابن‌عباس از شهادت امام حسین (ع) پیش از وقوع حادثه‌ی کربلا خبر می‌دهد. از او درباره‌ی این پیشگویی می‌پرسند که وی خوابش را نقل می‌کند: «رسول را (ص) دیدم با وی آبگینه‌ای پر خون و گفت: «بینی امت من پس از من چه کردند و فرزند من حسین را بکشتند و این خون وی است و اصحاب وی است، به تظلم پیش خدای - تعالی - می‌برم؛ پس از بیست و چهار روز خبر آمد که وی را بکشتند» (غزالی، ۱۳۸۶: ج ۲: ۶۳۳).

۱-۲-۳. فتوای جنجال برانگیز غزالی

شهرت و آوازه‌ی غزالی سبب می‌شد که مسایل فقهی را از هر جانب به وی عرضه کنند و از وی فتوا بخواهند. یکی از فتوای معروف و در عین حال تأمل‌برانگیز غزالی که جبهه‌گیری‌های بسیاری را در جهان تشیع سبب شد، فتوای عدم جواز لعن کردن بر کشته‌ی امام حسین (ع) است. غزالی در کیمیای سعادت به دو دلیل لعن بر یزید را جایز ندانسته است. یکی از علّت‌ها عدم شفافیت موضوع قاتل بودن یزید و دیگر احتمال توبه‌ی یزید پیش از مرگ است (همان، ۷۴). شاید بتوان این فتوای غزالی را از احتیاط زیاد وی در مسایل شرعی شمرد، اما آنچه در این فتوا، غزالی بدان متهم است؛ دشمنی شیعه بر ضد یزید و ظاهراً تعصب ناخودآگاه خود غزالی بر ضد شیعه است (زرین کوب، ۱۳۶۹: ۶۹). اما تعصب غزالی نسبت به شیعه و یا امام حسین (ع) آن‌هم با فرض صدور این فتوا، درست نمی‌نماید و ثابت نخواهد شد. غزالی در فتوای مذکور به این دلیل که دخالت و امر یزید در کشتن امام حسین (ع) مسلم نیست و اگر هم مسلم باشد، قتل نفس کفر نیست؛ بلکه فسق است و علاوه بر این ممکن است توبه کرده باشد، فتوا داد که لعن یزید جایز نیست. این فتوی «در بغداد که شیعه در محله‌ی کرخ غالباً آشکارا صحابه را لعن می‌کردند، خیلی جاها با نفرت و وحشت تلقی شد» (همان، ۷۰).

هرچند مسامحه‌ی غزالی در منع این لعنت‌گری را ظاهراً نمی‌توان توجیه نمود، زیرا وی از امکان توبه‌ی کسی دم زد که «تا آخرین روزهای حیات خویش مکه را در حصار داشت و مدینه را بعد از واقعه‌ی کربلا به باد غارت و کشتار داد» (همان). اما وی اگر چه به عدم جواز لعن یزید فتوا می‌دهد، اما این بدان معنا نیست که به یزید اعتقاد دارد یا از وی در واقعه‌ی کربلا جانب‌داری می‌نماید و در مقابل، امام حسین (ع) را تخطئه و نکوهش می‌کند، بلکه فتوای عدم جواز لعن یزید و واقعه‌ی کربلا تنها بهانه‌ای است تا غزالی بدین وسیله مخالفت خود را در باب برخی اعمال شیعیان به ویژه رسم لعنت‌گری که وی با این عمل به سختی مخالف است، ابراز دارد. با توجه به آن که از یزید چهره‌ی زشتی در آثار غزالی به ویژه إحياء علوم الدین ترسیم شده است: از منظر غزالی، یزید مرد ظالمی است که به غارت مدینه و محاصره‌ی مکه پرداخته (غزالی، ۱۳۸۶: الف، ج ۲: ۲۲۵)، همچنین غزالی او را حاکم ظالم دانسته (همان، ۲۹۵) و ضمن دعای حسن بصری او را کسی دانسته که باید عامل و مأمور وی «عمر بن هبیره» از او برحذر باشد تا مبادا یزید وی را از درگاه حق تعالی دور نماید (همان، ۷۴۶). پس نباید این فتوا را دشمنی غزالی با شیعه و یا شخص امام حسین (ع) و یا حتی انکار معنویت حماسه‌ی کربلا و جانب‌داری از عمل یزید تلقی نمود.

۴. سیمای امام سجّاد (ع) در آثار فارسی غزالی

۴-۱. خوف و خشوع آن حضرت

در میان ائمه‌ی اطهار (ع)، حضرت علی (ع) و امام سجّاد (ع) در کثرت عبادات امتیازی خاص یافتند. امام سجّاد (ع) از عابدترین اهل روزگار و به بسیاری عبادت و نماز مشهور بودند؛ چنان که القاب آن حضرت مانند زین‌العابدین، سیدالساجدین و العابدین، سجّاد و ذُوالتَّنَفَّات، بیانگر کثرت عبادات ایشان است. غزالی درباره‌ی حالت حضرت هنگام وضو و مهیا شدن برای نماز همان حالی را نقل کرد که برای جدّ بزرگوار ایشان نقل شده است: «علی بن‌الحسین (رض) چون طهارت کردی روی وی زرد شدی. گفتندی: «این چیست؟» گفتم: «نمی‌دانید که پیش که خواهم ایستاد؟» (غزالی، ۱۳۸۶ ب. ج ۲: ۴۱۴). حکایتی دیگر از آن حضرت نقل شده که بیانگر خوف و بیم بسیار حضرت در پیشگاه الهی است: «علی بن‌الحسین (رض) در وقتِ اِحرام زردروی شد و لرزه بر وی افتاد و لَبَّیک نتوانست زد. گفتند: «چرا لَبَّیک نگویی؟» گفت: «ترسم که اگر بگویم، گوید: لا لَبَّیک و لا سَعَدَیک». چون این بگفت، از آشتر بیفتاد و بیهوش شد» (همان، ج ۱: ۲۴۰ - ۲۳۹).

۴-۲. خُلُق نیکو (فروخوردن خشم)

خشم خود را بر خود چیره نکردن، بخشودن خطاکاران و شفقت بر ناتوانان از خصلت‌های خاص و شناخته شده‌ی رسول خدا (ص) بود. تا آنجا که قرآن او را بدین خوی نیکو ستود: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (القلم، ۴). همه‌ی فرزندان آن حضرت که پیشوایان امت‌اند، از این مزیت برخوردارند و حضرت علی بن‌الحسین (ع) چهره‌ی درخشان این صفت عالی انسانی است. در نصیحه‌الملوک به یکی از القاب مشهور آن حضرت یعنی «زین‌العابدین» اشاره شده (غزالی، ۱۳۶۷: ۴۲)، همچنین چهار حکایت از آن حضرت نقل شده است که جملگی آن‌ها به خُلُق نیکو و کظم غیظ حضرت اشاره دارد (همان، ۴۳ - ۴۲). در ادامه غزالی به عکس‌العمل آن حضرت در مواجهه با بی‌ادبی غلام، حکایت دیگری را نقل کرده است (همان، ۴۳). پس از حکایت مذکور نیز ضمن حکایتی دیگر به کاظم‌الغیظ بودن امام سجّاد (ع) اشاره می‌شود (همان). غزالی این چهار حکایت را که به صورت متوالی در نصیحه‌الملوک آمده، در کیمیای سعادت در بخش رعیت داشتن و ولایت راندن نیز به همین صورت و از پی هم درباره‌ی فروخوردن خشم از آن حضرت نیز نقل کرده است (غزالی، ۱۳۸۶ ب. ج ۱: ۵۴۱ - ۵۴۰).

غزالی درباره‌ی امام سجّاد (ع) مطلبی بیان نداشته که مخالف نصّ روایات و احادیث شیعه بوده باشد. وی بیش از همه به کثرت عبادات و خُلُق نیکوی آن حضرت اشاره نموده از القاب ایشان به «زین‌العابدین» اشاره شده که نشان دهنده‌ی این است که امام سجّاد (ع) از دیدگاه غزالی، به عنوان عابدترین مردم روزگار خود مطرح بوده و از سوی دیگر بیانگر آن است که اسناد مورد مراجعه‌ی غزالی هم حاکی از کثرت عبادات امام سجّاد (ع) بوده است.

۵. سیمای امام جعفر صادق (ع) در آثار فارسی غزالی

آن حضرت از نظر علم و فضل، سرآمد روزگار خود به شمار می‌آمده است. اهل علم در آن زمان او را «عالم مطلق» می‌خواندند، محضر او مجمع اهل علم و راویان حدیث بود (مشکور، ۱۳۶۲: ۸۹). بسیاری از بزرگان فقها و برجستگان پهنه‌ی علم و دانش از پرورش یافتگان مکتب ایشان بودند. احادیث و روایات بسیار زیادی از آن حضرت منقول است به گونه‌ای که «احادیثی که از صادقین یعنی از امام پنجم و ششم مأثور است، از مجموع احادیثی که از پیغمبر صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و ده امام دیگر ضبط شده است، بیشتر است» (طباطبائی، ۱۳۸۸: ۲۱۹).

۵-۱. برادری و دوستی

بیشترین شواهدی که غزالی از امام صادق (ع) نقل کرده، مربوط به روایات و سخنان آن حضرت در باب برادری و

دوستی است. چنان‌که در *کیمیای سعادت*، بخش آداب طعام خوردن، چنین گفته است: «جعفر بن محمد (رض) گوید: «چون با برادران برخوان نشینی شتاب مکن، تا مدتی دراز بکشد؛ که آن مقدار از جمله‌ی عمر حساب نباشد» (غزالی، ۱۳۸۶ ب. ج ۱: ۲۹۰). یا در بخش گزاردن حق صحبت، درباره‌ی برآوردن حاجت برادر و دوست از ایشان نقل شده است: «من شتاب کنم تا حاجت دشمن از من روا شود تا از من بی‌نیاز شود؛ در حق دوست چه کنم؟» (همان، ۴۰۳).

۲-۵. پرهیز از همنشینی با پنج کس

در بخش گزاردن حق صحبت، روایتی از امام صادق (ع) نقل شده که ضمن آن به ترک همنشینی با پنج تن یعنی دروغگو، احمق، بخیل، بدل و فاسق سفارش شده است (همان، ۴۰۱ - ۴۰۰). این نوع سخنان را در گفتار دیگر امامان (ع) از جمله امیرالمؤمنین علی (ع) (علی بن ابیطالب، ۱۳۸۸: ۴۵۰) و عهدنامه‌ی مالک اشتر و سخنان امام سجّاد (ع) نیز می‌توان دید.

۶. سیمای امام رضا (ع) در آثار فارسی غزالی

غزالی تنها دو بار از امام رضا (ع) در آثار فارسی خود یاد کرده است در *کیمیای سعادت* در بخش اندر ریاضت نفس، از آن حضرت یاد شده (غزالی، ۱۳۸۶ ب، ج ۲: ۲۶ - ۲۵) و همچنین در یکی از نامه‌های خود که به سلطان وقت نگاشته، بدان حضرت و بارگاه ایشان اشاره نموده است و از آنجا که ساکن طوس بوده و هم‌جوار امام رضا (ع) محسوب می‌شده به این هم‌جواری اشاره نموده و آن حضرت را «فرزند رسول» خوانده و از مشهد مقدس آن امام همام، والایی مقام سلطان را در دنیا و علو مرتبه‌ی او را در آخرت از باری تعالی به دعا خواسته است (غزالی، ۱۳۶۲: ۱۳ - ۱۲). غزالی با ذکر حکایتی از آن حضرت از ایشان به عنوان مصداق خوشخویی یاد کرده است (غزالی، ۱۳۸۶ ب، ج ۲: ۱۴۸). در حکایت مذکور، آن حضرت بدون آنکه از حرکت گرمابه‌بان خشمگین گردد با سعه‌ی صدر علت سیه‌چردگی خود را مطرح نموده است.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش نتایج ذیل به دست آمده است:

- ۱- در آثار فارسی غزالی از میان دوازده امام شیعه (ع) به سیره، احوال و اقوال حضرت علی (ع)، امام حسن (ع)، امام حسین (ع)، امام سجّاد (ع)، امام جعفر صادق (ع) و امام رضا (ع) پرداخته و استناد شده است.
- ۲- از مجموع شواهدی که در آثار فارسی غزالی درباره‌ی ائمه‌ی اطهار (ع) فراهم آمده، بیشترین مورد به حضرت علی (ع) اختصاص دارد، که بیانگر آن است که غزالی به حضرت علی (ع) نسبت به دیگر ائمه (ع) توجه و ارادت خاصی داشته که البته این امر به حسن تقدیس و احترام اهل سنت به حضرت علی (ع) - که وی را داماد، پسر عم و برادر پیامبر گرامی اسلام (ص) و همچنین خلیفه‌ی چهارم می‌دانند - نیز معطوف است. غزالی مطالب زیادی از رابطه‌ی امام علی (ع) و پیامبر (ص) و نیز در مواضع بسیار به فضایل حضرت علی (ع) اشاره نموده و در تأیید و تشبیه مطالب و سخنان خود به فراوانی گفتار و کلام آن حضرت در موضوعات گوناگون از منظر حضرت علی (ع) روایات و حکایاتی نقل کرده است. هر چند غزالی هم‌عقیده با دیگر مسلمانان اهل سنت - بدون اینکه حق خلافت را از خلفای سه‌گانه‌ی پیش از حضرت علی (ع) سلب نماید - آن حضرت را مردی صاحب فضیلت و معرفت و از حیث علم و تقوی برتر از دیگر صحابه و همچنین داماد، پسرعمو و برادر رسول خدا (ص) می‌داند، اما با وجود همه‌ی این فضایل و مناقب و امتیازاتی که برای آن حضرت قائل است، ایشان را وصی و جانشین بلافصل پیغمبر (ص) ندانسته؛ بلکه چهارمین خلیفه از خلفای راشدین می‌شمارد. شایان ذکر است که از میان شواهد مربوط به این امام همام (ع) سه حکایت تفضیل حضرت علی (ع) بر خلیفه‌ی دوم در استنباط احکام از آیات قرآن و نیز تفضیل آن

حضرت بر دو ملک مقرب؛ میکائیل و جبرئیل و ذکر سفارش پیامبر (ص) به فاطمه (س) در حق حضرت علی (ع) که او را سید دنیا و آخرت خواند، درخشش بیشتری دارد؛ چرا که ما را به وارستگی روحی غزالی و رهایی او از تعصبات مذهبی پس از قدوم به عالم پاکی و بی‌رنگی تصوف رهنمون می‌شود.

۳- غزالی به رابطه‌ی نزدیک و توجه مشفقانه و عاطفی پیغمبر (ص) نسبت به امام حسن (ع) و امام حسین (ع) بارها اشاره کرده اما حکایتی درباره‌ی وام‌خواهی امام حسن (ع) از معاویه نقل کرده که بی‌اعتباری منابع مؤلف و مجعول بودن استنادات وی در این موارد آشکار است؛ مخاصمت و دشمنی شدید معاویه و خاندان بنی‌امیه با فرزندان امام علی (ع) و صرف هزینه‌های هنگفتی که آنان برای قلب حقایق و جعل احادیث و روایات و داستان-پردازی‌های مجعول نموده‌اند، سبب شده که پس از گذشت چهار قرن، حقایق در هاله‌ای از ابهام قرار گیرد و زمانی که آن افسانه‌ها به غزالی می‌رسد در کلام او با توجه به شواهد دیگر، شکل متناقض‌وار پیدا نماید.

۴- غزالی به رابطه‌ی عمیق رسول خدا (ص) و امام حسین (ع) با ذکر روایات معروفی چون حکایت نماز پیامبر (ص) اشاره نموده است. مهم‌ترین مسئله‌ای که وی درباره‌ی امام حسین (ع) در آثار فارسی خود ذکر نموده، فتوای عدم جواز لعن یزید است. غزالی اگر چه به عدم جواز لعن یزید فتوا می‌دهد، اما این بدان معنا نیست که به یزید اعتقاد دارد یا از وی در واقعه‌ی کربلا جانب‌داری می‌نماید و در مقابل، امام حسین (ع) را تخطئه و نکوهش می‌کند و نباید این فتوا را دشمنی غزالی با شیعه و یا شخص امام حسین (ع) و یا حتی انکار معنویت حماسه‌ی کربلا و جانب‌داری از عمل یزید تلقی نمود، بلکه در صدور این فتوا، بیش از همه، مخالفت غزالی با برخی از اعمال شیعه همچون رسم لعنت‌گری مطمح‌نظر بوده است.

۵- غزالی درباره‌ی امام سجّاد (ع) به کثرت عبادات و خُلق نیکوی آن حضرت اشاره نموده است.

۶- غزالی تنها در یک موضع، از زبان امام جعفر صادق (ع)، حدیثی از پیغمبر (ص) نقل کرده و در مابقی موارد از آن حضرت فقط به ذکر روایت و حدیث بسنده نموده و متعرض ویژگی‌های خُلقی و خُلقی حضرت نشده است.

۷- غزالی درباره‌ی امام رضا (ع) تنها به دو مورد پرداخته است. وی در حکایت گرمابه به خُسن خلق و خوشخویی آن حضرت توجه داشته است. در نامه‌ی خود به سلطان وقت نیز به هم‌جواری خود با امام رضا (ع) اشاره نموده و آن حضرت را «فرزند رسول» خوانده است.

۸- غزالی در دیگر موارد، ارادت عمیق و احترام خاصی به اهل بیت پیامبر (ص) نشان داده و بارها از آن بزرگواران نقل روایت کرده و به گفتار و اعمال آن‌ها استناد جسته و به فضایل آن‌ها اشاره نموده است. چنان‌که صرف‌نظر از برخی شواهد، ما با عالم و عارفی شیعی مواجهیم که آثار فارسی‌اش مشحون از توجه و احترام بسیار نسبت به امامان شیعه (ع) است. این اعتقاد بسیار چنان نمایان بوده که حتی به علاقه‌ی وی در اواخر عمر به مذهب تشیع اشاره و چون امام مذهب خویش، شافعی به مذهب رافضی متهم شده است غزالی بدون توجه به مخالفت اهل سنت، به نقل روایت و حدیث در موارد بسیار از ائمه‌ی شیعه (ع) پرداخته است. از مهم‌ترین عوامل در بروز گرایش‌های شیعی غزالی، می‌توان از تحوّل روحی و معنوی و تمایل شدید وی به عرفان یاد کرد، چنان‌که سبب شد تا دو دوره زندگی کاملاً متفاوت برای او قائل شوند. این چنین تمایلات شیعی غزالی در دوره‌ی دوم زندگی‌اش نمود پیدا کرده، چنانچه در *کیمیای سعادت و إحياء علوم الدین و نصیحة الملوک* که از آثار دوران پس از تحوّل وی و ورود به وادی درهم شکستن مرزهای تسنّن و تشیع تصنیف شده، به وضوح دیده می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- همچنین در موضعی دیگر پیامبر (ص) به آن حضرت هنگامی که چشم‌درد بودند، توصیه‌ی پزشکی می‌کند (غزالی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۵۶۲).
- ۲- یا در حکایتی دیگر که پیامبر (ص) ضمن ایراد خطبه به چگونگی دستیابی به بهشت اشاره می‌کنند و امام علی (ع) نیز کیفیت آن را از ایشان جویا می‌شوند (همان، ۴۳۹).

- ۳- غزالی در یکی از نامه‌هایش که برای فردی به نام «مجیرالدین» نوشته است، وقتی که درباره‌ی حقارت دنیا سخن می‌گوید، جمله‌ی معروف حضرت علی (ع) یعنی «طَلَّفْتُ الدُّنْيَا ثَلَاثًا» را به عنوان شاهد کلام خود نقل می‌کند (غزالی، ۱۳۶۲: ۵۰). آن حضرت دنیا را شش چیز می‌داند، سپس با ارزش‌ترین آن شش چیز را برمی‌شمارد و سرانجام به ذکر بی‌ارزشی آن چیزهای به ظاهر ارزشمند می‌پردازد تا شاید خردمندان به حقیقت غیر قابل‌اعتنای دنیا توجه کنند و از آلودگی و دلبستگی بدان پرهیزند (غزالی، ۱۳۸۶: ج ۲: ۱۴۳ - ۱۴۲) یا خطاب آن حضرت به درهمی که بر کف دست نهاده بود، در حالی که می‌گفت: «تو آنی که تا از دست من بیرون نشوی مرا هیچ سود نکنی» (همان، ۱۵۱)، حاکی از بی‌ارزشی مال دنیا در نظر امام علی (ع) است.
- ۴- در ادامه، ذیل عنوان پیدا کردن حقوق صحبت و دوستی، به ذکر قولی مشابه از حضرت علی (ع) پرداخته شده است (همان، ج ۱: ۴۰۳ - ۴۰۲).
- ۵- غزالی همچنین در باب حاجتمندی به دیگران (همان، ج ۲: ۱۶۵)، موعظه به درویشان و توانگران (همان، ۲۵۲)، صبر (همان، ۳۴۴)، اعراض از نومیدی (همان، ۳۸۶) و عید مسلمانان (همان، ۵۶۶) اقوالی از آن حضرت نقل نموده است.

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه‌ی مهدی الهی‌قمشه‌ای، تهران: بنیاد نشر قرآن، ۱۳۶۷.
- ابن‌ابی‌الحدیث؛ «*خاندان و فضایل امیرالمؤمنین (ع)*». ترجمه‌ی محمود مهدوی‌دامغانی. نگارش و گردآوری حمید یزدان-پرست (ویراستار). *امام علی (ع): هفتاد و هشت مقاله‌ی تاریخی، روایی، عرفانی و ادبی درباره‌ی امیرالمؤمنان (ع)*. تهران: اطلاعات، ۱۳۸۸.
- اذیب، عادل؛ *نقش امامان معصوم (ع) در حیات اسلام*. ترجمه‌ی مینا جیگاره. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی. (چاپ به زبان اصلی ۱۴۰۸ ه.ق)، ۱۴۰۸ / ۱۳۷۵.
- باقری، ابوالحسن؛ *اهل بیت علیه‌السلام از دیدگاه اهل سنت*. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۴.
- بدوی، عبدالرحمن؛ *مؤلفات الغزالی*. الطبعة الثانية. مصر، ۱۹۷۷.
- بهار، محمدتقی؛ *سبک‌شناسی (تاریخ تطور نثر فارسی)*. چاپ نهم. ۲ ج. تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۶.
- خطیبی، حسین؛ *فن نثر در ادب پارسی*. چاپ سوم. تهران: زوار، ۱۳۸۶.
- زرین‌کوب، عبدالحسین؛ *بامداد اسلام*. چاپ ششم. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۹.
- -----؛ *فرار از مدرسه*. چاپ پنجم. تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۳.
- صفا، ذبیح‌الله؛ *تاریخ ادبیات در ایران*. ج ۲. چاپ ششم. تهران: فردوسی، ۱۳۶۳.
- طباطبائی، محمدحسین؛ *شیعه در اسلام*. چاپ بیست و سوم. قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۸۸.
- علی‌بن‌ابطالب؛ *نهج‌البلاغه*. گردآورنده شریف‌رضی. ترجمه و شرح محمد دشتی. چاپ بیست و یکم. قم: مؤسسه‌ی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع)، ۱۳۸۳.
- غزالی، محمدبن‌محمد؛ *زاد آخرت*. پیراسته‌ی مراد اورنگ. تهران: بی‌نا، ۱۳۵۲.
- -----؛ *مکاتیب فارسی غزالی: فضائل‌الانام من رسائل حجّة‌الاسلام*. چاپ دوم. به کوشش عباس اقبال. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- -----؛ *نصیحة‌الملوک*. چاپ چهارم. به تصحیح جلال‌الدین همایی. تهران: نشر هماف ۱۳۶۷.
- -----؛ *احیاء علوم‌الدین*. چاپ ششم. ۴ ج. ترجمه‌ی مویدالدین محمد خوارزمی. به کوشش حسین خدیوچم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶ الف.
- -----؛ *کیمیای سعادت*. چاپ سیزدهم. ۲ ج. به کوشش حسین خدیوچم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶ ب.
- غلامرضایی، محمد؛ *سبک‌شناسی نثرهای صوفیانه: از اوایل قرن پنجم تا اوایل قرن هشتم (کلیات)*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸.
- قمی، شیخ‌عباس؛ *منتهی‌الآمال (زندگانی چهارده معصوم (ع))*. چاپ چهارم. مشهد: هاتف، ۱۳۸۶.
- مشکور، محمدجواد؛ *تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام*. چاپ سوم. تهران: انتشارات اشراقی، ۱۳۶۲.

- همایی، جلال‌الدین؛ *غزالی‌نامه: شرح حال و آثار و افکار امام محمد غزالی*. چاپ سوم. تهران: نشر هما و کتاب‌فروشی فروغی، ۱۳۶۸.
- یوسفی، غلامحسین؛ «از کیمیای سعادت». *غزالی‌شناسی (گزیده‌ی مقالات)*. به اهتمام میثم کرمی. تهران: حکمت. (صص ۴۳۴ - ۴۰۳)، ۱۳۸۹.

